

تیموتی اسنایدر

# خودکامگی

بیشتر درس از قرن بیستم

ترجمه شهاب الدین عباسی



بنگاه ترجمه و نشر  
کتاب پارسه

سرشناسه: تیموتی اسنایدر  
 عنوان و نام پدیدآور: خود کامگی؛ بیست درس از قرن بیستم / تیموتی اسنایدر / شهاب‌الدین عباسی  
 مشخصات نشر: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه ۱۳۹۶  
 مشخصات ظاهری: ۱۳۸ ص  
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۵۳-۳۰۵-۰  
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیا  
 یادداشت: عنوان اصلی: On tyranny: twenty lessons from the twentieth century  
 موضوع: استبداد/ تاریخ جدید - قرن ۲۰ م. / اخلاق و سیاست/ فرهنگ سیاسی - ایالات متحده/ دموکراسی - ایالات متحده/  
 شاسه افزوده: عباسی، شهاب‌الدین، ۱۳۴۵ - مترجم  
 رده‌بندی کلاس: الف ۱۳۹۶ ۵۵۴ الف/ JC ۴۹۵  
 رده‌بندی دیویی: ۳۲۱/۹  
 شماره کتابشناسی: ۴۸۳۴۷۶۱



## ■ خود کامگی؛ بیست درس از قرن بیستم

|                                         |                              |
|-----------------------------------------|------------------------------|
| تیموتی اسنایدر                          | ترجمه شهاب‌الدین عباسی       |
| آماده‌سازی و تولید:                     | بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه |
| طراحی گرافیک: پرویز بیانی               | طراح: مصحافی: آرمانسا        |
| نوبت و شمارگان: چاپ اول ۱۳۹۶، ۱۱۰۰ نسخه | قیمت: ۱۵۰۰ تومان             |

همه حقوق چاپ و نشر برای بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه محفوظ است.  
 هرگونه اقتباس از این اثر، منوط به دریافت اجازه کتبی از ناشر است.

بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه

تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخررازی، خیابان شهدای ژاندارمری شرقی، پلاک ۷۴،

طبقه دوم، تلفن: ۶۶۴۷۷۴۰۵

[www.parsehbook.com](http://www.parsehbook.com) / [info@parsehbook.com](mailto:info@parsehbook.com)




 @ketabeparseh

## فهرست

۱. پیشاپیش اطاعت نکنید..... ۱۷
۲. از نهادها دفاع کنید..... ۲۳
۳. مراقب دولت‌های تک‌حزبی باشید..... ۲۷
۴. در قبال جهان، مسئولیت داشته باشید..... ۳۳
۵. اخلاق حرفه‌ای را به یاد داشته باشید..... ۳۹
۶. مواظب شبه‌نظامی‌ها باشید..... ۴۳
۷. اگر باید مسلح شوید، تأمل کنید..... ۴۹
۸. ایستادگی کنید..... ۵۵
۹. بازبان ما مهربان باشید..... ۶۳
۱۰. به حقیقت ایمان داشته باشید..... ۶۹
۱۱. تحقیق کنید..... ۷۵
۱۲. ارتباط چشمی برقرار کنید و کمی حرف بزنید..... ۸۳
۱۳. سیاست ملموس داشته باشید..... ۸۷
۱۴. یک زندگی خصوصی پیریزی کنید..... ۹۱
۱۵. مقاصد خوب را یاری کنید..... ۹۷

## ۱۰ ■ خودکامگی

۱۶. از همتایان در کشورهای دیگر بیاموزید..... ۱۰۱
۱۷. حواس‌تان به کلمات خطرناک باشد..... ۱۰۷
۱۸. آرام باشید وقتی اتفاقی باورنکردنی رخ می‌دهد..... ۱۱۱
۱۹. میهن‌دوست باشید..... ۱۱۹
۲۰. تا آنجا که می‌توانید شجاع باشید..... ۱۲۵
- س گفتار..... ۱۲۷

www.ketab.ir

## پیش‌گفتار

### تاریخ و خود کامگی

تاریخ تکرار نمی‌شود، اما آموزش می‌دهد. وقتی پدران بنیان‌گذار دربارهٔ قانون اساسی ما بحث می‌کردند، از قانونی که می‌دانستند، راهنمایی می‌گرفتند. آن‌ها نگران از اینکه مبدا جمهوری دموکراتیکی که در نظر داشتند سقوط کند، در افول دموکراسی‌ها و جمهوری‌ها، تبدیل به سطح الیگارشی یا گروه‌سالاری، و سلطه‌جویی تأمل می‌کردند. آن‌ها می‌دانستند که ارسطو هشدار می‌داد بی‌عدالتی موجب بی‌ثباتی می‌شود، و حال که افلاطون معتقد بود عوام‌فریب‌ها از آزادی بیان برای تثبیت خود در مقام حاکمان مستبد سوء استفاده می‌کنند. در بنیان‌گذاری جمهوری دموکراتیکی بر پایهٔ قانون و استقرار دستگاهی ناظر به حفظ موازنه، پدران بنیان‌گذار در پی اجتناب از شری بودند که آن را مانند فیلسوفان قدیم، خود کامگی یا استبداد می‌خواندند. آن‌ها منظورشان از خود کامگی، غصب قدرت توسط فرد یا گروهی واحد، یا زیر پا گذاشتن قانون به نفع خود توسط حاکمان بود. بیشتر بحث‌های سیاسی بعدی در ایالات متحده، ناظر به مسئلهٔ خود کامگی در درون جامعهٔ آمریکا

بوده است: مثل خودکامگی در مورد بردگان و زنان.

به این ترتیب، یکی از اولین سنت‌های آمریکایی، وقتی نظام سیاسی مان به مخاطره می‌افتد در نظر گرفتن تاریخ بوده است. اگر امروز نگرانیم که تجربه آمریکایی از جانب خودکامگی تهدید می‌شود، می‌توانیم نمونه پدران بنیان‌گذار را دنبال کنیم و درباره تاریخ دموکراسی‌ها و جمهوری‌های دیگر ژرف بیندیشیم. خوب این است که می‌توانیم از نمونه‌های تازه‌تر و مرتبط‌تر از یونان و روم باستان، برداشت‌های بیشتری کنیم. خبر بد این است که تاریخ دموکراسی مدرن نیز، از مصداق‌های انحطاط و سقوط است. از زمانی که مستعمره‌های آمریکایی، استقلال‌شان را از حکومت پادشاهی بریتانیا که پدران مؤسس آن را «خودکامگی» می‌انگاشتند اعلام کردند، تاریخ اروپا سه دوران دموکراتیک عمده به خود دید: پس از جنگ جهانی اول در ۱۹۱۸، پس از جنگ جهانی دوم در ۱۹۴۵، و بعد از پایان کمونیسم در ۱۹۸۹. بسیاری از دموکراسی‌ها در این مقاطع زمانی شکست خوردند، در شرایطی که از بعضی جهات، مشابه شرایط ما بود.

تاریخ می‌تواند مأنوس باشد و می‌تواند هشدار بدهد. در اواخر قرن نوزدهم، مانند اواخر قرن بیستم، گسترش تجارت - همان‌طور که نظاراتی در مورد پیشرفت به وجود آورد. در اوایل قرن بیستم - همچنان که در اوایل قرن بیست و یکم - این امیدها با خواب و خیال‌های جدید سیاست توده‌ها و جنبش‌های روبرو شد؛ سیاستی که در آن، یک رهبر یا حزب ادعا می‌کرد که آینده مستقیم اراده مردم است. دموکراسی‌های اروپایی به ورطه قدرت‌طلبی جناح راست و فاشیسم در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ فرو افتادند. اتحاد جماهیر شوروی که در ۱۹۲۲ استقرار یافت، الگوی خود را در اروپا در دهه ۱۹۴۰ گسترش داد. تاریخ اروپای قرن بیستم نشان می‌دهد که جوامع می‌توانند فرو بپاشند، دموکراسی‌ها می‌توانند سقوط کنند، اخلاق می‌تواند افول کند و آدم‌های عادی می‌توانند خود را اسلحه به دست، بالای گودال‌های مرگ بیابند. فهم اینکه چرا این اتفاقات افتاد، به کار امروزمان می‌آید.

فاشیسم و کمونیسم، هر دو پاسخی بودند به جهانی‌سازی؛ به نابرابری‌های واقعی و ملموسی که جهانی‌سازی پدید آورد و درماندگی آشکار دموکراسی‌ها در پرداختن به آن‌ها. فاشیست‌ها عقل را به نام اراده رد می‌کردند و منکر حقیقت عینی به نفع اسطوره باشکوهی بودند که از طرف رهبرانی که ادعا می‌کردند صدای مردم هستند، بیان می‌شد. آن‌ها جهانی‌سازی را طور دیگری جاره می‌دادند و استدلال می‌کردند که معضلات و چالش‌های پیچیده آن نتیجه تبعیض علیه ملت است. فاشیست‌ها یکی دو دهه حکومت کردند و میراث فکری دست‌نخورده‌ای از خود به جا گذاشتند که هر روز که می‌گذرد ربط و نسبت بیژری پیدا می‌کند. کمونیست‌ها بیشتر حکومت کردند، چیزی نزدیک به هفت دهه در اتحاد جماهیر شوروی و بیش از چهار دهه در اکثر کشورهای اروپای شرقی. آن‌ها حکومت به دست یک گروه برگزیده منضبط را مطرح می‌کردند، با تکیه انحصاری بر این دلیل که جامعه را به طرف آینده‌ای مشخص و بنابر قوانین ظاهراً ثابت تاریخ، هدایت می‌کرد.

ای بسا وسوسه شویم و فکر کنیم در میراث دموکراتیک‌مان خود به خود ما را از چنین تهدیدهایی مصون نگه می‌دارد این بک واکنش گمراه‌کننده است. در واقع، رسم و روال پدران مؤسس اقتضای دنیا که تاریخ را بررسی کنیم تا سرچشمه‌های عمیق خودکامگی را بفهمیم و پاسخ‌های مناسب در قبال آن‌ها در پیش بگیریم. آمریکایی‌های امروز عاقل‌تر از اروپایی‌هایی نیستند که ناهم‌تسلیم دموکراسی در برابر فاشیسم، نازیسم یا کمونیسم بودند. یکی از مزیت‌های ما این است که از تجربه آن‌ها درس بگیریم. اکنون زمان خوبی برای این کار است. این کتاب بیست درس از قرن بیستم، به فراخور اوضاع امروز ارائه می‌کند.